

## شیرین هانتر<sup>۲</sup>

باتوجه به منافع اساسی و مسائل داخلی که ایران در برخورد با کشورهای جدیدی که از خاکسترهای امپراطوری شوروی سر بر آورده‌اند، با آنها روبروست، گزارش عملکرد ایران در آسیای مرکزی نسبتاً خوب بوده است. ایران با دوری جستن از قید و بندهای ایدئولوژیک که بر سایر روابطش اثرات سوئی گذاشته بود، در پیشگیری از قطع شدن حتمی روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی به موفقیت دست یافت. همچنین ایران برغم عقب‌ماندگیهای اقتصادی و مالی توانسته تاحدی در منطقه حضور داشته باشد. با این وجود، ناتوانی ایران در کنار آمدن با واقعیهای نظام جهانی پس از شوروی، به خصوص نفوذ آمریکا، و در تطبیق سیاستهای خود بر این اساس در تلاشهای این کشور در آسیای مرکزی همچنان ایجاد مشکل می‌کند. نقطه ضعف دیگر سیاست ایران، ناتوانی این کشور در درک کامل ارتباطات بین آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه است. از این رو نمی‌داند که رفتارهای با انگیزه ایدئولوژیک در خاورمیانه تأثیر منفی بر روابط این کشور با آسیای مرکزی دارد، حتی اگر رفتار این کشور در آسیای مرکزی منشأ ایدئولوژیک نداشته باشد.

تا نیمه ۱۹۹۰ به مرور مشخص شد که اتحاد شوروی در شکل آن زمان خود دوام نخواهد آورد و این که اکثر جمهوری‌های تشکیل دهنده آن از جمله جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، دیر یا زود مستقل خواهند شد. دو سؤال ذهن تحلیل‌گران و دولتمردان، به‌ویژه در غرب را به خود مشغول کرد: اولاً، چه چارچوب فلسفی به عنوان اصول سازمان دهنده جوامع بعد از فروپاشی شوروی جانشین کمونیسم خواهد شد و جهت‌گیری‌های خارجی آنها را هدایت خواهد کرد؟ ثانیاً، درخصوص جمهوری‌های غالباً مسلمان جنوبی، کدام یک از همسایگان دور و نزدیک با پیوندهای فرهنگی و قومی، بیشترین تأثیرگذاری را خواهند داشت و به عنوان الگویی برای تشکیلات اجتماعی و سیاسی آنها به‌طور بالقوه عمل خواهند کرد؟

1. Pragmatic Regional Policy, *Journal of International Affairs*, Spring 2003, Vol. 56, Issue 2, P. 133.

۲. دکتر شیرین هانتر مدیر برنامه مطالعات اسلامی در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشنگتن است. جدیدترین تألیفات وی: اسلام، دین دوم اروپا؛ و اسلام در روسیه: سیاست‌های امنیتی و هویتی بوده، این مقاله توسط خانم پریش مظفری از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

## کشمکش برای نفوذ ایدئولوژیک

اکثر نوشته‌های غربی اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ این رقابت برای تأثیر در منطقه را بین ایران و ترکیه می‌دانستند. یک جنبه مهم از این مبارزه، جنبه ایدئولوژیک آن بود. از یک طرف ایران الگوی اسلامی را ارائه داده بود. هراس از این بود که ایران به دنبال صدور بینش خود مبنی بر یک جامعه و دولت اسلامی به جمهوری‌های مسلمان پس از شوروی، مورد توجه منطقه‌ای قرار گیرد که احیای اسلام را بعد از ۷۰ سال سرکوب فعال تجربه می‌کرد. از طرف دیگر ترکیه مصداق کامل یک دولت مدرن، غیر مذهبی و دمکرات مسلمان بود. در حالی که ترکیه یک متحد غربی بود، ایران، هنوز به عنوان تهدیدی برای منافع غرب مطرح بود. از این رو غرب، ترکیه را به عنوان الگویی برای سرمشق قرار گرفتن تبلیغ کرد و از گسترش تأثیر ترکیه در مناطق مسلمان‌نشین اتحاد شوروی سابق حمایت کرد، در حالی که در جهت ایجاد مانع بر سر راه معاهدات ایران و جمهوری‌های مسلمان تازه استقلال یافته تلاش می‌کرد.

ایالات متحده در ممانعت از هرگونه حضور قابل ملاحظه ایران در آسیای مرکزی و قفقاز همه تلاش خود را به کار برد. جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا این موضوع را در سفر خود به آسیای مرکزی در ژانویه ۱۹۹۲ به‌طور سربسته بیان کرد. در سالهای بعد این بخشی از استراتژی گسترده‌تر در تنگنا و انزوا قرار دادن ایران در زمینه سیاست «مهار دوگانه» دوران ریاست جمهوری کلینتون شد.<sup>(۱)</sup>

این تصور که یک رقابت ایدئولوژیک بین ایران و ترکیه تحول داخلی و جهت‌گیری خارجی جمهوری‌های مسلمان پس از شوروی را تعیین می‌کند به کلی اشتباه و ساده‌انگارانه بود. تحلیل‌گران در آن زمان نقاط ضعف این جنبه فکری را خاطر نشان کردند. ایران و ترکیه وسایل نفوذ به منطقه را نداشتند و تأثیر بازیگران اصلی بین‌المللی - عمدتاً ایالات متحده، روسیه و اروپا نیز - قسمت اعظم کار را انجام داد. دولت‌های آسیای مرکزی گیرنده‌های منفعل اندیشه‌ها و الگوهای پیشرفت نبودند برعکس در روند پویا و پیچیده ملت‌سازی شرکت فعال داشتند.<sup>(۲)</sup> به‌علاوه، ایران دستخوش تغییرات اساسی در اولویت‌های داخلی و سیاست‌های خارجی خود شد. نگرش به ایران به عنوان تهدیدی اسلامی تغییرات وسیعی که ملت ایران پس از ۸ سال جنگ با عراق و نیز جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ تجربه کرده بود را نادیده انگاشت.

## تغییر چهره چالش‌های داخلی ایران

در پایان جنگ ایران و عراق در اوت ۱۹۹۸، ایران اولویت‌بندی خود را از صدور اسلام انقلابی به تقویت سیاست داخلی و بازسازی اقتصادی تغییر جهت داد. بعد از هشت سال تحمل جنگ، این کشور نیاز مبرمی به پیشرفت اقتصادی داشت که بدون آن ثبات سیاسی‌اش به خطر می‌افتاد.<sup>(۳)</sup> پس از رحلت آیت‌الله روح‌الله خمینی در ۵ ژوئن ۱۹۸۹، حکومت ایران با به اوج رسیدن معضلات داخلی‌اش با بزرگترین چالش مواجه شد. چگونه می‌توانست به آرامی به دوره پس از وی انتقال یابد و اوضاع اقتصادی این کشور را بهتر کند. حال آن که ساختار اصلی رژیم‌ی که ایشان بنا کرده بود، پابرجا بود.

### محیط امنیتی رو به زوال

در این شرایط ایران بیشتر نیازمند ثبات و پیش‌بینی اوضاع در همسایگی خود بود. اما به هر حال کمتر توانست به این آرامش دست یابد. ادامه اوضاع در مرزهای شمالی و جنوبی کشور شرایط متزلزلی را به وجود آورد که برای امنیت و تمامیت ارضی آن ایجاد خطر می‌کرد. در جنوب، جنگ خلیج فارس آغاز شد و در شمال اتحاد شوروی در حال فروپاشی بود. سقوط دولت محمد نجیب‌الله در افغانستان در آوریل ۱۹۹۲، شروع جنگ داخلی افغانستان، و بعداً ظهور طالبان ضد ایران، چالش جدیدی را در شرق به وجود آورد.

### تأثیر حضور آمریکا و فروپاشی شوروی

در جنوب، جنگ با ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، عراق را وادار به عقب‌بردن نیروهای خود از خاک ایران کرد. به هر حال بعد از جنگ، صدام حسین بر سر قدرت باقی ماند و احساس امنیت ایران بیشتر نشد. علاوه بر این، جنگ منجر به حضور نظامی بیشتر و آشکارتر آمریکا در خلیج فارس شد. به‌رغم بی‌طرفی ایران در جنگ خلیج فارس، این کشور موفق به عادی‌سازی روابط خود با آمریکا نشد. علت آن به طور عمده سیاست داخلی ایران بود. از این رو تعجب آور نبود که ایران از گسترش حضور آمریکا در منطقه بی‌مناک باشد. در ضمن تجزیه اتحاد شوروی، امنیت سرحد شمالی ایران را به خطر می‌انداخت. عاقبت با سفر وزیر خارجه شوروی، ادوارد شوارز نادزه، به تهران و ملاقات ایشان با آیت‌الله خمینی، ایران در سرحد شمالی خود احساس امنیت کرد. تغییر در موازنه قدرت سیاسی بین جناح‌های مخالف کرملین و ارزیابی مجدد روابط اتحاد جماهیر شوروی در گذشته با کشورهای مختلف خاورمیانه منجر به سرد شدن

روابط میان ایران و شوروی شد. (۴)

در دو سال اول بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، روابط میان ایران و شوروی بدتر شد تا آنجا که حکومت روسیه پس از فروپاشی، بخصوص وزیر خارجه این کشور آندره کزیروف تأکید داشت که خطر اسلام برخاسته از ایران، حقیقی است. گرچه اوضاع در اوایل ۱۹۹۴ رو به بهبود بود، اما انگیزه ایران برای توسعه روابط خود با روسیه عمدتاً به دلیل نداشتن راهکارهای مناسب‌تر و تنگناهای سیاست داخلی این کشور بود. (۵)

پیامدهای فروپاشی اتحاد شوروی عامل اساسی مشکلات امنیتی ایران، تا اندازه‌ای به دلیل روابط تیره این کشور با غرب بخصوص ایالات متحده بود. فروپاشی شوروی حتی بدون وجود رابطه خصمانه ایران و آمریکا نیز مسائلی را برای ایران به وجود می‌آورد. ایران منطقه وسیع و بسیار پهناوری واقع بین امپراطوری شوروی یا روسیه و خلیج فارس بود. این اهمیت استراتژیک زیان‌هایی به همراه داشته است باعث جلب توجه بیش از حد و دخالت‌های بی‌مورد قدرت‌های خارجی بوده است. اما یک امتیاز نیز داشته و آن اینکه قبل و در زمان جنگ سرد قدرت‌های بزرگ رقیب، می‌خواستند ایران را به عنوان کشور حایلی که در درجه اول اهمیت قرار داشت، حفظ کنند. به استثنای عراق که بعد از انقلاب ۱۹۵۸ جانب روسیه را گرفت، همسایگان نزدیک ایران، بقای ایران و عدم وابستگی این کشور به اتحاد شوروی را برای امنیت خودشان مهم می‌دانستند، حتی طی دهه پرآشوب ۱۹۸۰ و به‌رغم نگرانی از امکان اشاعه اندیشه‌های انقلاب اسلامی، ترکیه و پاکستان سعی داشتند که روابط عملی خود را با ایران حفظ کنند.

اما با فروپاشی اتحاد شوروی، اهمیت ایران به عنوان یک کشور حایل کم‌رنگ شد. موقعیت حساس استراتژیک این کشور بین خلیج فارس و دریای خزر و پتانسیل زیاد آن، گرچه تشخیص داده نشده بود، بیشتر از اینکه به عنوان سرمایه مطرح باشد ایجاد مسؤولیت می‌کرد. هم بازیگران اصلی بین‌المللی و هم قدرت‌های منطقه‌ای، حالا دیگر به ایران به عنوان مانعی بالقوه برای دستیابی به جاه‌طلبی‌های خود یا به عنوان رقیبی برای تأثیرگذاری در فضای پس از شوروی نگاه می‌کردند.

بازیگران منطقه‌ای همچون ترکیه و پاکستان نیز موضع خود را نسبت به ایران تغییر دادند. آنها سعی داشتند که موقعیت خود را ارتقا بخشند و ارزش استراتژیک خودشان را برای قدرت‌های بزرگ، بخصوص آمریکا، با مطرح نمودن خود به عنوان سد راه اشاعه اندیشه‌های

انقلاب اسلامی از نوع ایرانی به آسیای مرکزی و قفقاز حفظ کنند. حتی قبل از اینکه نیروهای مجاهد افغان به رهبری فرمانده تاجیک، احمدشاه مسعود، رژیم افغانستان را در آوریل ۱۹۹۲ سرنگون کنند، محمد نجیب‌الله رئیس جمهور افغانستان، به عنوان سدی در مقابل بنیادگرایی اسلامی به ایالات متحده ارائه خدمت می‌کرد.<sup>(۶)</sup>

کوتاه سخن، تغییرات ساختاری در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی که عامل آن برتری نظامی و اقتصادی ایالات متحده پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود، منجر به وخیم‌تر شدن موقعیت ژئوپلیتیک ایران و محدودکردن راهکارهای سیاست خارجی این کشور شد. سیاستهای آمریکا در مورد ایران و نظرات این کشور در مورد نقش نسبی ایران در فضای پس از [فروپاشی] شوروی حاکم بود. آنها پارامترهایی را که با آنها ایران می‌توانست در آسیای مرکزی ایفای نقش کند و همچنین منش کشورهای آسیای مرکزی را نسبت به ایران تعیین کردند. سیاستهای واشنگتن حتی رویکرد روسیه را نسبت به ایران تحت تأثیر قرار داد. به‌علاوه، تحولات روابط ایران و آمریکا بر سیاستهای آمریکا در قبال آسیای مرکزی و افغانستان تأثیر گذاشت. برخی تحلیلگران مدعی بودند که تمایل آمریکا به از بین بردن تأثیر ایران بر افغانستان، جلوگیری از گسترش حضور این کشور در آسیای مرکزی و بخصوص بستن مسیر جنوبی صادرات انرژی آسیای مرکزی از راه ایران، دلایل تصمیم پاکستان در ایجاد طالبان بود.<sup>(۷)</sup> ایالات متحده اگر چنان که برخی ادعا می‌کنند، عملاً تشویق در به وجود آمدن طالبان نکرده باشد، حداقل در این زمینه تسلیم سیاست پاکستان و عربستان سعودی شد.<sup>(۸)</sup>

تجزیه شوروی یک سلسله منازعات ارضی و درون‌قومی که برخی از آنها به طرز خطرناکی در نزدیکی ایران بود را به وجود آورد که عمده‌ترین آنها درگیری ارمنستان و آذربایجان بر سر ناگورنو قره‌باغ بود. ایران زیر بار انبوه آوارگان عراقی و افغان، نگران سیل آوارگان از قفقاز بود. بی‌ثباتی بالقوه در ترکمنستان ناآرامی این کشور را بیشتر می‌کرد.

### فراخوان پان‌ترکیسم

در همین اثنا در ترکیه انواع گرایش‌ها و نظریه‌های پان‌ترکیستی و نوع‌ثانی در سال ۱۹۹۲ رواج پیدا کرد، پروفیسور آیدین یالکین در این زمینه می‌نویسد که پان‌ترکیسم یک ایدئولوژی است که اکنون زمان آن فرارسیده است و به بحث در این زمینه می‌پردازد که فروپاشی شوروی و بی‌اعتباری کمونیسم سرانجام تجلی عمومی و حمایت از پان‌ترکیسم را ممکن

ساخت.<sup>(۹)</sup> طرفداران پروپا قرص پان ترکیسم در رؤیای ایجاد یک فدراسیون از همه مردم ترک بودند. مقاله‌ای در ترکیش تایمز در ژانویه ۱۹۹۱ قبل از فروپاشی اتحاد شوروی به چاپ رسید که در آن گفته شده بود: «امروز تلاش بی‌سابقه‌ای در جریان است تا همه مردم منطقه را در فدراسیون ترکستان، سرزمین ترک‌ها، یکپارچه کند. چنین فدراسیونی می‌تواند از ترکیه تا هیمالیایگسترش داشته باشد». باوجود اقلیت‌های ترک‌زبان و ادعای آذربایجان در مورد استانی به همین نام در ایران انتشار چنین تفکراتی، نگرانی امنیتی ایران را بیشتر می‌کرد. به واقعیت پیوستن چنین نقشه‌های بلندپروازانه‌ای غیرممکن می‌نمود، اما ناسیونالیست‌های افراطی ترکیه به حمایت از ادعاهای آذربایجان و نیز جدایی طلبان آذربایجان از ایران ادامه می‌دادند.<sup>(۱۰)</sup>

### ۱۱ سپتامبر و جنگ در افغانستان

حادثه غم‌انگیز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و عملیات نظامی آمریکا علیه رژیم طالبان در افغانستان ایران را از خطر طالبان آسوده کرد، اما بهبودی در محیط امنیتی این کشور حاصل نکرد. مبارزه بین‌المللی به رهبری آمریکا علیه تروریسم جهانی منجر به حضور بیشتر نظامی و سیاسی آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی شد. ایران با امید به بهبود روابط با آمریکا در این زمینه همکاری کرد، اما این امر هرگز محقق نشد. در مجموع حضور گسترده نظامی آمریکا در مرزهای شرقی ایران و ادامه روابط خصمانه ایران و آمریکا، احساس ایران را از در محاصره قرار گرفتن تشدید می‌کرد.

تا زمانی که عملیات نظامی در افغانستان آغاز شد، روند سیاست‌های داخلی ایران وارد مرحله حساسی شده بود. رقابت بین جناح اصلاح‌طلب و محافظه‌کار به حد کمال رسیده بود و وضعیت سیاسی بی‌ثباتی را ایجاد کرده بود.

تحت فشار شرایط حساس داخلی و محیط ژئوپلیتیک و امنیتی نامساعد بود که ایران مجبور شد استراتژی خود در مورد آسیای مرکزی را طراحی و اجرا کند. باتوجه به مشکلات اساسی و فشارهای داخلی که قبلاً ذکر شد، قابل توجه است که ایران از هرگونه درگیری جدی با همسایگان خود اجتناب ورزیده و حتی اقدام به حضور اقتصادی و سیاسی در منطقه کرده است. با این وجود، ناتوانی ایران در حل و فصل منازعات داخلی خود و اتخاذ سیاست خارجی به اقتضای نظام بین‌المللی دوران پس از شوروی، توانایی ایران را به عنوان تعیین‌کننده اصلی تحولات استراتژیک و اقتصادی که بتواند آینده آسیای مرکزی، قفقاز و آسیای جنوب غربی را رقم بزند،

سلب کرده است. در این مورد زیانبارتر از همه، ناتوانی ایران در عادی‌سازی روابط خود با آمریکا است.

وضعیت روابط ایران با آسیای مرکزی نامشخص است. هرگونه پیش‌بینی وضعیت آینده این روابط با شک و تردید همراه است. به هر حال می‌توان ترازنامه‌ای از روابط ایران و آسیای مرکزی در ۱۲ سال گذشته ارائه کرد و به تمایلات احتمالی در آینده در پرتو سناریوهای مختلف برای تحول داخلی ایران و وضعیت روابط این کشور با آمریکا نظر داشت.

### عوامل تعیین‌کننده سیاست ایران در قبال آسیای مرکزی:

#### ۱. مصلحت ملی مهم‌تر از ایدئولوژی

برخلاف سایر جوانب سیاست خارجی ایران، رویکرد این کشور در مورد آسیای مرکزی و قفقاز به‌طور چشمگیری عاری از تأثیرات ایدئولوژیک است. هر مسأله‌ای که ایدئولوژی ایران برای روابط این کشور با آسیای مرکزی به وجود آورده پیامد جانبی رفتارهای با انگیزه ایدئولوژیک این کشور در سایر مناطق، به‌خصوص خاورمیانه بوده است.

دو عامل، این فقدان ایدئولوژیک را توضیح می‌دهد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ عمدتاً در نتیجه روند تعلیم و تطبیق که رژیم‌های انقلابی طی می‌کنند، ایدئولوژی داشت از سیاست خارجی ایران رخت برمی‌بست.<sup>(۱۱)</sup> شکست ایران- یا لاقلاً ناتوانی ایران در پیروزی- در جنگ با عراق به این روند شتاب بخشید. شکست ایران منجر به تعمق ملی و زیر سؤال بردن همه جوانب حکومت اسلامی، هم حاکمیت آن و هم اساس ایدئولوژیک آن شد. رهبری سیاست خارجی ایران و تصمیم‌گیرندگان اصلی آن از این انتقاد و بررسی موشکافانه در امان نبودند، حتی به وسیله شخصیت‌های مهمی چون هاشمی رفسنجانی<sup>(۱۲)</sup> یک انتقاد عمده این بود که ایران اهمیت بی‌جهت و پرهزینه‌ای برای دستیابی به آرمان‌های مبهم عقیدتی اسلامی به جای مجاهدت برای تضمین منافع ضروری‌تر ملی قائل بود.

این رواج تازه اصطلاح «مصلحت ملی» که در سالهای آغازین انقلاب در مقابل مصلحت متعالی‌تر جامعه اسلامی (امت)، منفور تلقی می‌شد- تغییری را در طرز تفکر مردم ایران به دور از دین و در جهت ملی‌گرایی ایرانی نمایان ساخت. این تغییر در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن برجسته‌تر شد. تا زمانی که ایران با چالش طرح یک سیاست در قبال کشورهای آسیای مرکزی مواجه بود کمتر تحت فشار سنگین ایدئولوژی رسمی خود بود. به علاوه، به‌رغم تاریخ مشترک چند

هزارساله، کشورهای آسیای مرکزی سرزمین‌های بکری برای دیپلماسی ایران بودند. اما رهبران انقلابی ایران هیچ عقیده‌ای از پیش اندیشیده‌ای در مورد این منطقه نداشتند. آیت‌الله خمینی بیانیه خاصی در مورد آسیای مرکزی عنوان نکرد. دیگر اینکه این منطقه هیچ اهمیت نمادینی، چنان‌که مثلاً قضیه فلسطین و اوضاع بیت‌المقدس داشت، برای رژیم به همراه نداشت. از این رو آسیای مرکزی به رقابت‌های ایدئولوژیک و سیاسی و جنگ قدرت درون رژیم مربوط نمی‌شد. با انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران در مه ۱۹۹۷، روند ایدئولوژی‌زدایی از سیاست خارجی ایران، پیشرفت بیشتری کرد. آقای خاتمی رویکرد سیاست خارجی ایران را براساس دو موضوع توأمان تشنج‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها بنا کرد.

در مجموع، ایران در اجرای سیاستی عاری از آثار ایدئولوژیک در قبال آسیای مرکزی به موفقیت زیادی دست یافت. این کشور تأکید بر روابط دولتی داشت تا حمایت گروه‌های اسلامی کم و بیش خشن آسیای مرکزی. بهترین مثال این بُعد از سیاست ایران رویکرد این کشور در مورد جنگ داخلی و برانگیز در تاجیکستان (۱۹۹۲ - ۱۹۹۲) بود که نیروهای اسلامگرا با دولت در مبارزه بودند. ایران نه تنها هیچگونه کمک نظامی به نیروهای اسلامی تاجیک در تقابل با دولت‌های نبی‌اف و رحمان‌اف نکرد، بلکه از ارائه هرگونه حمایت ایدئولوژیک یا لفظی نیز خودداری کرد. ایران از اینکه درگیری در تاجیکستان را به عنوان یک جدال ایدئولوژیک بین طرفداران استقرار یک دولت جدید اسلامی و حکومت دوران شوروی تعریف کند امتناع ورزید. بلکه جنگ را منسوب به اختلافات منطقه‌ای و رقباتی فرقه‌ای تاجیکستان دانست. این رویکرد باعث تنشهایی در روابط این کشور با اسلام‌گرایان مخالف در تاجیکستان گردید و در پاره‌ای از نشریات ایران، انتقادهایی را برانگیخت.<sup>(۱۳)</sup> با این وجود، ایران ارتباط خود را با مخالفان اسلامگرا و نیز غیرمذهبی تاجیکستان حفظ کرد.<sup>(۱۴)</sup> این ارتباطات بعدها ایران را قادر به ایفای نقشی اساسی در پایان بخشیدن به جنگ داخلی تاجیکستان نمود، نقش مهمی که نه روسیه، که کاملاً نفع می‌برد، از آن قدردانی کرد و نه دیگر کشورهای منطقه. تهران برغم طرز فکر خصمانه ازبکستان در مورد ایران، با جدیت از جنبش اسلامی ازبک دفاع نمی‌کرد. رسانه‌های ایران از جمله خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا)، گهگاه از بدرفتاری مقامات ازبکستان با فعالان سیاسی مسلمان و مسلمانان فعال انتقاد می‌کرد، اما تا نیمه دهه ۱۹۹۰ طالبان در افغانستان و پاکستان مایه نگرانی عمده کشورهای آسیای مرکزی به عنوان مهمترین منبع حیات گروه‌های

اسلامی در تاجیکستان و ازبکستان شدند.<sup>(۱۵)</sup> وهابیت به جای انقلاب ایران، به عنوان چالش عمده ایدئولوژیک پدیدار شد.<sup>(۱۶)</sup> خطر مشترکی که طالبان برای ایران و کشورهای آسیای مرکزی در بر داشت، به علاوه حمایت ایران از نیروهای ضدطالبان، به بهبود روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی مانند ازبکستان کمک کرد.

کشورهای دیگر آسیای مرکزی، حتی قبل از ظهور طالبان ایران را به عنوان یک خطر اسلامی نمی‌دیدند. هنگامی که از صفر مراد نیازاف، رئیس جمهور ترکمنستان در مورد خطر اشاعه بنیادگرایی اسلامی از ایران سؤال شد، وی گفت که: «من نه صادرکننده‌ای می‌بینم و نه کسی که بتواند از این صادرات استفاده کند».<sup>(۱۷)</sup> سفیر قزاقستان در تهران نیز طرز فکر برخی از هموطنان خود را که به گفته وی به ایران تنها از میان منشور بنیادگرایی اسلامی می‌نگرند، مورد انتقاد قرار داد.<sup>(۱۸)</sup> به خاطر عوامل ساختاری و غیره، رویکرد غیرایدئولوژیک ایران در قبال آسیای مرکزی، این کشور را قادر به برقراری روابط گرم و گسترده با همه کشورهای آسیای مرکزی نکرده است.<sup>(۱۹)</sup>

## ۲. اولویت منافع امنیتی

بالاترین اولویت ایران درخصوص آسیای مرکزی و قفقاز، پاسداری از امنیت این کشور و بیشتر از هر چیز، تمامیت ارضی این کشور است. این اهمیت اساسی امنیتی سرمنشأ تلاشهای ایران (هر زمان که این تلاشها مورد استقبال قرار گیرند)، برای میانجیگری درگیریهایی داخلی و غیر آن در آسیای مرکزی و قفقاز است.

در اوایل سال ۱۹۹۲ ایران سعی در میانجیگری بین آذربایجان و ارمنستان داشت، اما به دلیل منازعات داخلی بر سر قدرت و مخالفت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران به عنوان میانجی صلح، این تلاشها با شکست مواجه شد. در سالهای بعد آذربایجان سیاست خصمانه و ادعاهای ارضی در قبال ایران را دنبال کرد که ایران را برغم نزدیکی فرهنگی و مذهبی با آذربایجان، به ایجاد روابط نزدیکتر با ارمنستان سوق داد. برعکس در تاجیکستان، بازیگران اصلی نظیر روسیه از میانجیگری ایران در پایان دادن به جنگ داخلی تاجیکستان استقبال کردند.

سیاست امنیت‌بخشی ایران، کشور را به سمت تأکید بر مصونیت و حرمت مرزها در منطقه پیش برد. توافق این کشور با ترکمنستان در مورد تغییرناپذیری مرزهای این دو کشور

روشن‌کننده این موضوع است.

### مرکزیت روابط با روسیه

سیاست ایران در قبال آسیای مرکزی و قفقاز به‌طور عمده تحت تأثیر تمایل این کشور به حفظ روابط حسنه با روسیه است، حتی هنگامی که روسیه کمتر علاقمند به داشتن روابط نزدیک با ایران است. چنان که در بالا گفته شد این موضوع از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ مطرح بود. حتی بعد از گرم‌شدن روابط ایران و روسیه، مخالفان قدرتمند در میان محافل مهم سیاسی روسیه و گروه‌های دینفوذ علیه ایجاد همکاری نزدیک با ایران هشدار دادند.<sup>(۲۰)</sup> در واقع، روابط ایران با روسیه به‌طور عمده یک‌طرفه بوده است. روسیه از ایران برای پیشبرد مقاصد خود، به عنوان نمونه برای تضمین منافع اقتصادی خود، استفاده کرده است؛ در ضمن این کشور خلاف وعده‌های خود عمل کرده و در موضوعاتی که از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار بوده، مواضع خود را تغییر داده است. تغییر موضع روسیه در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر و اشتراک منابع آن مثالی از این رفتار است.<sup>(۲۱)</sup> روسیه با در نظر گرفتن ایران به عنوان یک رقیب بالقوه در منطقه‌ای که این کشور قلمرو نفوذ خود می‌داند، ایران را به تعامل با کشورهای آسیای مرکزی تشویق نکرده است. با این وجود، ایران یک رویکرد روسیه محور در قبال کشورهای آسیای مرکزی در قفقاز دارد، رویکردی که بهای آن نبودن برخی کشورهای منطقه است.

برای فهم این استراتژی لازم است به روابط نامناسب ایران با آمریکا نگاهی بیندازیم. ایران در تلاش ناگزیر خود به دنبال یک وزنه تعادلی برای قدرت آمریکا و به دنبال یک تهیه‌کننده لوازم صنعتی و نظامی، در پی جلب حمایت چین و اتحادیه اروپا برآمده است. این تلاش‌ها به دلیل مخالفت شدید آمریکا ثمربخش نبوده است. در مورد اروپا نیز، مخالفت با مسائل مربوط به حقوق بشر و روند صلح خاورمیانه زمینه‌ساز این قضیه بود. بنابراین ایران به مشارکت نابرابر خود با روسیه ادامه می‌دهد و از انجام اقداماتی که مخالفت مسکو را برمی‌انگیزد، خودداری می‌کند.

### تضمین حضور اقتصادی و سیاسی

به‌رغم تمام مخالفت‌ها، ایران سعی کرد که در آسیای مرکزی حضور فعال داشته باشد. برای این کار، ایران جنبه‌های ایدئولوژیک سیاست خود را کنار گذاشت و به احساس افراطی یکپارچگی قومی و زبانی اجازه دخالت در اهداف اساسی خود را نداد. برغم سرکوب اقلیت تاجیک در ازبکستان، اعم از تعطیل کردن مدارس تاجیک‌زبان و انکار کامل بُعد ایرانی فرهنگ

منطقه، ایران به تلاش برای حفظ روابط عملی خود با تاشکند ادامه داد.<sup>(۲۲)</sup> اقدامات خصمانه آشکار از بکستان، نظیر ادعاهای اسلام کریم‌اف رئیس‌جمهور این کشور در حمایت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال ۱۹۹۵، باعث نشد تا ایران روابط خود را با این کشور قطع کند یا حتی به دنبال بهتر کردن روابط نباشد.<sup>(۲۳)</sup> بزرگ‌ترین امتیازات ایران موقعیت جغرافیایی این کشور و توانایی آن برای عرضه راه‌های زمینی، دریایی و خط‌آهن خود به کشورهای آسیای مرکزی که دسترسی به دریاندارند، به این کشور کمک کرده تا روابط خود را با این منطقه توسعه دهد. ایران به منظور بالابردن جذابیت خود به عنوان مجرای به دنیای خارج در سال ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری عظیمی روی شبکه راه‌آهن و گسترش آن تا مرزهای آسیای مرکزی انجام داد. یک قدم بزرگ در این زمینه افتتاح خط آهن ۷۰۳ کیلومتری در ۱۷ مارس ۱۹۹۵ بود که بافق در جنوب ایران را به شهر بندری بندرعباس در خلیج فارس وصل می‌کند. رؤسای جمهور ترکمنستان، قرقیزستان، ارمنستان، افغانستان و نمایندگان ارشد کشورهای دیگر همسایه در مراسم افتتاحیه حضور داشتند.<sup>(۲۴)</sup>

در مه سال ۱۹۹۵ آقای رفسنجانی رئیس‌جمهور ایران، راه‌آهن مشهد-سرخس-تجن را در حضور رؤسای ۱۱ کشور از جمله سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور ترکیه افتتاح کرد.<sup>(۲۵)</sup> ایران در حال حاضر از طریق خط‌آهن به آذربایجان متصل است. با صرف بودجه و نبود موانع سیاسی، ایران می‌توانست ارتباط خط‌آهن خود را با ترکیه، افغانستان و پاکستان گسترش دهد و بدین‌وسیله در توسعه بزرگ‌ترین شبکه حمل‌ونقل آسیا نقش داشته باشد. راه‌اندازی سرویس هفتگی قطار از آلماتی در قزاقستان به تهران در مارس ۲۰۰۲ به عنوان بخشی از توافق احیای جاده ابریشم در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی، قدم مهم دیگری در این راستا بود. ایران همچنین حلقه ارتباط مهمی در ایجاد مسیر حمل‌ونقل شمال به جنوب که هند را از طریق خاک ایران به روسیه وصل می‌کند، می‌باشد.<sup>(۲۶)</sup>

### ایران به عنوان مسیر صادرات انرژی

تولیدکنندگان انرژی آسیای مرکزی و کارشناسان صنعت نفت با هم اتفاق نظر دارند که ایران از نقطه نظر وضعیت اقتصادی و جغرافیایی، منطقی‌ترین مسیر برای صدور انرژی آسیای مرکزی است. ایران از تبلیغ این امتیاز خسته نشده است. حتی بدون ساخت یک خط لوله طولانی به خلیج فارس، الگوی تولید و مصرف انرژی ایران نشان از آن دارد که مبادله انرژی

(سواپ) می‌تواند به عنوان مجرای برای خروج انرژی آسیای مرکزی و آذربایجان باشد. میزان محدودی از نفت قزاقستان به صورت مبادله با ایران (سواپ) صادر می‌شود. یک خط لوله نیز گاز ترکمنستان را به شمال ایران منتقل می‌کند. اما سؤال در مورد مسیرهای خط لوله و حمل و نقل جایگزین، دلایل مهم سیاسی دربر دارد. از این رو تصمیمات در این مورد براساس ملاحظات ژئوپلیتیک اتخاذ می‌شوند نه اقتصادی.

می‌توان این‌گونه بحث کرد که از دیدگاه امنیتی و ژئوپلیتیک بهتر این است که مسیر جایگزینی برای صادرات وجود داشته باشد چرا که بخش عمده‌ای از نفت مصرفی جهان در حال حاضر از خلیج فارس عبور می‌کند. آنچه که کمتر قابل درک است، مخالفت با عبور حتی قسمتی از خط لوله، گرچه فقط چند کیلومتر، از خاک ایران است. این را تنها می‌توان در ارتباط با سیاست آمریکا برای در انزوا قرار دادن ایران توضیح داد.

### توسعه روابط اقتصادی و تجاری

بخش مهمی از استراتژی توسعه و بازسازی اقتصادی ایران پس از جنگ (جنگ ایران و عراق)، توسعه روابط اقتصادی و تجاری این کشور با همسایگان جنوبی (اعضای شورای همکاری خلیج فارس) و آسیای مرکزی بود. ایران در این زمینه چند مزیت داشت. از جمله پتانسیل بازار بزرگ مصرف که سرمایه‌های مشترک کشورهای حاشیه خلیج فارس را جذب می‌کرد. تولیدات این سرمایه‌گذاری‌ها بعدها می‌توانست به آسیای مرکزی صادر شود. ایران همچنین می‌توانست به عنوان منبع مهم انرژی برای کشورهای از لحاظ انرژی فقیر در آسیای مرکزی و قفقاز همچون تاجیکستان، قرقیزستان و ارمنستان باشد.

ضعف عمده ایران، در زمینه سیاست است که محدودیت‌های مالی و نیاز این کشور به سرمایه‌گذاری، آن را تشدید کرده است. مهمترین مشکل سیاسی، مخالفت مجدد آمریکا با هرگونه سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در ایران است. علاوه بر تحریم‌های قبلی، با تصویب قانون تحریم ایران و لیبی (ILSA) در سال ۱۹۹۶، هرگونه سرمایه‌گذاری قابل توجه در ایران غیرممکن شد.<sup>(۲۷)</sup> در واقع قانون تحریم ایران و لیبی که هدف آن بخش انرژی ایران بود برای فرار دادن سرمایه‌گذاران اروپایی و غیره از ایران و جلوگیری از تقویت اقتصاد ایران اعمال شده بود.

اما به هر حال، مخالفت سیاسی در سایر اشکال همکاری نیز مشکل می‌آفرید. به عنوان مثال، هم ایالات متحده و هم روسیه با احداث یک خط لوله گاز از ایران به ارمنستان، به رغم نیاز

میرم این کشور به انرژی، مخالف بودند. سازمان‌های اقتصادی و عمرانی بین‌المللی نیز مایل نبودند در طرح‌هایی که مربوط به ایران می‌شد سرمایه‌گذاری کنند. با این وجود ایران اقدام به برقراری روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای آسیای مرکزی نمود. برطبق آخرین گزارش‌ها، حجم مبادلات تجاری بین ایران و ترکمنستان از ۷۲ میلیون دلار در سال ۱۹۹۴ به ۴۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت، در حالی که میزان مبادلات تجاری ایران و قزاقستان در سال ۲۰۰۰، ۲۲۰ میلیون دلار بود.<sup>(۲۸)</sup> بنا به گزارش منابع قزاق در سال ۲۰۰۲ حجم مبادلات تجاری به ۵۰۰ میلیون دلار رسید.<sup>(۲۹)</sup>

در همین حال، برطبق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، در ده ماه اول سال ۲۰۰۲ حجم مبادلات تجاری بین ایران و ازبکستان ۱۵۰ میلیون دلار بود.<sup>(۳۰)</sup> تعدادی از شرکتهای بخش خصوصی ایران در آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری مشترک انجام داده‌اند. با این حال میزان این سرمایه‌گذاریها قابل ملاحظه نیست. جالب اینجاست چنان که میزان اندک تعهدات اقتصادی ایران در تاجیکستان نشان می‌دهد، قرابت‌های فرهنگی و زبانی در تعیین الگوی روابط اقتصادی ایران نقش عمده‌ای ندارد.<sup>(۳۱)</sup> لازم به یادآوری است که جنگ طولانی داخلی در تاجیکستان و بی‌ثباتی مداوم این کشور بعد از جنگ، شرایط مناسبی را برای سرمایه‌گذاری فراهم نکرد.

این وضعیت ثابت می‌کند که تفاوت‌های قومی و زبانی بین ایران و بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی در جایی که سایر شرایط مساعد می‌باشند، موانع جدی و حل‌نشده‌ای در سر راه روابط سودمند آنها نیستند. میراث فرهنگی ایران در منطقه هنوز زنده است، و اگر ایران نتوانسته از این مزیت استفاده کند به دلیل تردید رژیم اسلامی در مورد این میراث است که به‌طور عمده تحت تأثیر فرهنگ ایران قبل از انقلاب است. البته تماس‌های فرهنگی به کلی از بین نرفته‌اند، گرچه در آن حد که باید باشند نیستند.

### تحولات پس از ۱۱ سپتامبر: تلاش ایران جهت اثبات حضور این کشور در آسیای مرکزی

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، خود به خود ابراز همدردی را در مردم و مسؤولان ایران نسبت به مردم آمریکا برانگیخت.<sup>(۳۲)</sup> گرچه ایران آشکارا از اقدام نظامی در افغانستان حمایت نکرد، از برکناری رژیم طالبان خوشنود گردید. این کشور همچنین نقش سازنده‌ای در کنفرانس

بن برای تعیین دولت پس از طالبان در افغانستان ایفا کرد.<sup>(۳۳)</sup> این پیشرفت‌ها امیدها را در مورد اینکه همکاری ایران و آمریکا در افغانستان، روابط دوجانبه این دو کشور را در همه زمینه‌ها بهبود بخشد، بیشتر کرد. اما به هرحال این امیدواری‌ها هنگامی که جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا در نطق سالانه خود در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ ایران را جزو «محور شرارت» در کنار عراق و کره جنوبی قلمداد کرد، در هم شکست.<sup>(۳۴)</sup> به دنبال آن، اظهارات چند مقام آمریکایی بود که ایران را متهم به تضعیف دولت جدید افغانستان و پناه دادن به اعضای القاعده کردند.<sup>(۳۵)</sup>

حضور روزافزون نظامی آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی با از میان رفتن امید به بهبود روابط با آمریکا و سخت‌تر شدن موضع آمریکا در قبال ایران، نگرانی‌های امنیتی ایران را بیشتر کرد. این نگرانی‌ها بخشی از دلایل سفر آقای خاتمی به آسیای مرکزی در آوریل ۲۰۰۲ بود. این سفر با اجلاس کشورهای ساحلی دریای خزر در ترکمنستان آغاز شد و وی را به چهار کشور دیگر آسیای مرکزی نیز برد.

در سفر آقای خاتمی بر گسترش روابط اقتصادی، تجاری، فرهنگی و دیگر زمینه‌ها بین ایران و آسیای مرکزی تأکید ویژه‌ای شد. نظر به تعداد توافقات به عمل آمده بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی، این سفر کاملاً موفقیت‌آمیز بود. حتی در ازبکستان از آقای خاتمی استقبال مناسبی به عمل آمد. اسلام کریم‌اف، رئیس جمهور ازبکستان، که به عنوان دوست ایران مطرح نبود، از ابتکار عمل وی در گفتگوی میان تمدن‌ها تمجید به عمل آورد و گفت: «جمهوری اسلامی ایران شریک تجاری قابل اعتمادی است و همواره به تعهدات خود عمل کرده است».<sup>(۳۶)</sup> کریم‌اف همچنین افزود: چشم‌انداز همکاری‌های ایران و ازبکستان در بازسازی افغانستان بسیار وسیع است.<sup>(۳۷)</sup> آنها همچنین توافق کردند که ساختار حمل و نقل ازبکستان را ارتقاء بخشند تا امکان صادرات کالا از طریق خلیج فارس و ایران به چین از راه ازبکستان فراهم شود. آقای کریم‌اف همچنین به امکان احداث یک جاده از ترمز در ازبکستان از طریق افغانستان به ایران اشاره کرد.<sup>(۳۸)</sup> هدف اصلی سفر آقای خاتمی به قزاقستان، تأکید بر میزبانی ایران به عنوان مسیر صادرات انرژی بود.<sup>(۳۹)</sup> در قرقیزستان اندکی پس از سفر آقای خاتمی اعلام شد که ایران یک مرکز تجاری در بیشکک افتتاح خواهد کرد.<sup>(۴۰)</sup>

تنها اشتباه آقای خاتمی در این سفر به هرحال موفقیت‌آمیز، انتقاد از حضور روزافزون آمریکا در منطقه بود. آقای خاتمی در سفر خود به قزاقستان بیان داشت: «نباید در خاک این و آن

سنگربندی کرد و به نام مبارزه با تروریسم پایگاه درست کرد»، و افزود: «این برای ملت‌های ماکه حق دارند مشکلاتشان را خودشان حل و فصل کنند و خودشان تصمیم بگیرند چه چیز برای آنها خوب است و چه چیز بد، خفت محض است». (۴۱) این اظهارات کشورهای آسیای مرکزی را که نیازمند به حمایت آمریکا هستند، در وضعیت دشواری قرار داد و توانایی ایران را برای دستیابی به اهداف منطقه‌ای خود تضعیف کرد. این طرز برخورد، آمریکا را در جلوگیری از تاخت و تاز ایران در آسیای مرکزی مصممتر خواهد کرد. در حقیقت، برخی منابع گزارش کردند که مقامات آمریکایی «به دولت قزاقستان توصیه کرده بودند که دعوت خاتمی را برای دیدار رد کند». (۴۲) مایه سرافرازی ایران است که قزاقستان این کار را انجام نداد.

باتوجه به منافع اساسی و مسائل داخلی که ایران در برخورد با کشورهای جدیدی که از خاکسترهای امپراطوری شوروی سر بر آورده‌اند، با آنها روبروست، گزارش عملکرد ایران در آسیای مرکزی نسبتاً خوب بوده است. ایران با دوری جستن از قید و بندهای ایدئولوژیک که بر سایر روابطش اثرات سوئی گذاشته بود، در پیشگیری از قطع شدن حتمی روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی به موفقیت دست یافت. همچنین ایران برغم عقب‌ماندگیهای اقتصادی و مالی توانسته تاحدی در منطقه حضور داشته باشد.

با این وجود، ناتوانی ایران در کنار آمدن با واقعیت‌های نظام جهانی پس از شوروی، به‌خصوص نفوذ آمریکا، و در تطبیق سیاست‌های خود بر این اساس در تلاش‌های این کشور در آسیای مرکزی همچنان ایجاد مشکل می‌کند. نقطه‌ضعف دیگر سیاست ایران، ناتوانی این کشور در درک کامل ارتباطات بین آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه است. از این‌رو نمی‌داند که رفتارهای با انگیزه ایدئولوژیک در خاورمیانه تأثیر منفی بر روابط این کشور با آسیای مرکزی دارد، حتی اگر رفتار این کشور در آسیای مرکزی منشأ ایدئولوژیک نداشته باشد.

### نتیجه و دورنما

در سالهای آینده، ایران چنانچه سیاست خارجی خود را با واقعیت‌های اساسی تطبیق ندهد، در دستیابی به اهداف خود در آسیای مرکزی با مشکلات بیشتری مواجه خواهد بود. از همه مهمتر این است که ایران باید به یک سازش موقت با ایالات متحده دست یابد. اما این سؤال همچنان باقی است: آیا ایالات متحده حاضر است که با حکومت فعلی ایران به تفاهم برسد یا منتظر یک تغییر بنیادی در ایران خواهد شد یا شاید حتی قبل از رسیدن به هرگونه توافق، خود

باعث چنین رویدادی می‌شود؟

عوامل اساسی و تحولات داخلی ایران، شکست یا موفقیت سیاست این کشور را در قبال آسیای مرکزی تعیین خواهد کرد. ایرانی باثبات، با حکومتی استوار و دوراندیش و دارای روابط حسنه با آمریکا شانس بزرگی برای تبدیل شدن به یک بازیگر جدی در منطقه خواهد داشت. برعکس، ایرانی با چالشهای داخلی، تحت فشار خارج و با روابط خصمانه با آمریکا، در آسیای مرکزی بیشتر در حاشیه خواهد ماند.

## یادداشت‌ها

1. Thomas L. Friedman, "U.S. to Counter Iran in Central Asia," *New York Times*, 6 February 1992, A3.

2. Shireen T. Hunter, "The Muslim Republics of the Former Soviet Union: Policy Challenges for the United States," *Washington Quarterly* (Summer 1992): 57-71

3. On transition to post-Khomeini era, including Constitutional Changes, see Shireen T. Hunter, *Iran After Khomeini* (Washington, DC: Praeger, 1992).

۴. تفکر جدید گورباچف در مورد سیاست خارجی، رد خط مشی شوروی مبنی بر حمایت از برخی کشورها تنها به دلیل این که ضد غرب بودند بدون توجه به دیگر عوامل بود. در خاورمیانه این عامل توأم با بهبود روزافزون روابط غرب با شوروی منجر به تلاشهای بیشتری از سوی اتحاد جماهیر شوروی برای بهبود روابط این کشور با کشورهای عرب میانه‌رو و فاصله گرفتن از متحدین تندروی این کشور شد. این نگرش جدید به همراه ترس از امکان گسترش اندیشه‌های افراطی اسلامی به جمعیت‌های مسلمان شوروی در پس این تغییرات بود، رجوع شود به:

Talal Nizameddin, *Russia and the Middle East* (New York: St. Martin's Press, 1999).

۵. این تنگنا را ناتوانی جناح‌های مختلف در درون حکومت سیاسی ایران برای توافق در مورد اصول و روند عادی‌سازی روابط با ایالات متحده سبب شد. واشنگتن خود تمایلی به هرگونه پیشرفت قابل ملاحظه در قبال ایران قبل از این که این کشور برخی پیش شرطها از جمله پایان دادن به حمایت از گروه‌هایی که به

زعم آمریکا تروریست تشخیص داده شده‌اند مانند حماس، حزب الله و سایر گروه‌های تندروی فلسطینی، توقف تلاش‌های خود برای دستیابی به توانایی سلاح هسته‌ای، و پایان دادن به مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل را بپذیرد، نداشت. دو عامل به ارزیابی مجدد روسیه در قبال ایران کمک کرد: اولاً، رفتار ملاحظه‌کارانه و غیرایدئولوژیک ایران در قبال جمهوریهای پس از شوروی و سود اقتصادی و تجاری ناچیز تملق برخی کشورهای عربی که متحد نزدیک امریکا بودند؛ ثانیاً، سرخوردگی روسیه از نتایج یک سیاست خارجی عمدتاً غرب محور. این سرخوردگی، روسیه را بر آن داشت تا روابط خود را با کشورهای مهم غیرغربی بخصوص چین و هند، در جستجوی یک جهان چندقطبی به منظور مقابله با آنچه که تسلط غرب و به خصوص امریکا بر مکاتب مختلف فکری در مورد سیاست خارجی روسیه تلقی می‌شد، گسترش دهد. در مورد تغییر تصورات روسیه رجوع شود به:

Dimitrii Volsky, "A New Look at Cooperation with - Iran," *New Times*, No. 15 (June 1993); and Comments of Andranik Migranyan during a Visit to Tehran in "Iran said Crucial Partner in Region," Foreign Broadcasting Information Service (hereafter FBIS)/NES-95-045, (8 March 1995).

6. Edward A. Gargan, "Afghan President Says U.S. Should See Him as Ally Against Militant Islam", *New York Times*. 10 March 1992, A3.

۷. ایجاز حیدر، نویسنده پاکستانی می‌نویسد که ژنرال نصیرالله بابر، وزیر کشور پاکستان که در اواخر سال ۱۹۹۳ عهده‌دار سیاست پاکستان در قبال افغانستان شد، اظهار داشت: "من از این بابت مطمئنم که اثر ایران در افغانستان خنثی شده است." این، اظهارات دیدگاه‌های بالفطره ضدایرانی و ضدشیعی طالبان را روشن می‌کند. رجوع شود به:

Ejaz Haidar, "Pakistan's Afghan Policy and its Fallout Central Asia Monitor, No.5 (1998):2.

8. Richard Mackenzie, "The United States and the Taliban," in William Maley, ed., *Fundamentalism Reborn? Afghanistan and the Taliban* (New York: New York University Press, 1993). 90-103.

9. Sami Kohen, "Contacts with Central Asian States: A Foundation for Pan-Turkism," *Washington Report on Middle East Affairs* (August/September 1992): 17.

10. Interview with Azerbaijani Nationalist Leader and Later president Abulfazl Elchibey, *Turkish Times*, 1 March 1992.

ایلهچی بیگ پس از ترک ریاست جمهوری، سازمانی برای متحد کردن جمهوری آذربایجان و استان آذربایجان ایران به نام اتحادیه آذربایجان واحد- (Vahid Azerbaijan Birliyi) به وجود آورد که هدف آن کمک به وحدت دو آذربایجان می‌باشد. دولت حیدرعلی اف نیز از چنین آرمانهایی جانبداری می‌کند. علاوه بر این، آذربایجانی‌ها مدعی استانهای گیلان و مازندران ایران که مردم آنها نه ترک زبانند و نه از قوم ترک‌اند نیز شده‌اند. رجوع شود به:

Radio Free Europe/Radio Liberty, " Support Grows for A United Azerbaijan," *Caucasus Report* 1, No. 11 (12 May 1998): 3, at

<http://www.rferl.org/caucasusreport/1998/05/11-120598.html>.

11. Shireen T. Hunter, *Iran and the World: Continuity in a Revolutionary Decade* (Bloomington: Indiana University Press, 1990)

۱۲. به عنوان مثال پس از امضای پیمان آتش بس با عراق در اوت ۱۹۹۸، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در سمت ریاست مجلس شورای اسلامی اذغان داشت که در بیان تند و انقلابی دیپلماسی ایران همسایگان این کشور و نیز دیگر کشورها را رنجانده و آنها را دشمن کرده است. از اینرو با این که تجاوز عراق جنگ را آغاز کرد، اما آنها از عراق در مقابل ایران حمایت کرده بودند.

۱۳. ایران حتی میزبان رحمان نبی‌اف، رئیس جمهور تاجیکستان در ژوئن ۱۹۹۲ در یک لحظه سرنوشت‌ساز در جنگ داخلی تاجیکستان بود. برخی از محققین نظیر اولیور روی گفته‌اند که ایران در آغاز از مخالفین حمایت کرد و در دسامبر ۱۹۹۲ بود که موضع خود را تغییر داد. اما به هرحال واقعیت‌هایی نظیر سفر نبی‌اف، به تهران این نگرش را تأیید نمی‌کند.

۱۴. نزدیک‌ترین روابط ایران با قاضی اکبر تورجانزاده بود که چندین سال در ایران زندگی کرده بود و در موضعی میانه‌رو بود.

15. Mashhad Radio: Uzbekistan Persecuting Islamist's Family, " FBIS-Sov\_98-301, 28 October 1998; In February 1998,

نخست‌وزیر ازبکستان ادعا کرد که نیروهای جدید بخدمت گرفته شده از دره فرقانه را گروه‌های مستقر در پیشاور تعلیم و آموزش می‌دادند.

"Uzbeks Say Pakistan Islamist Groups Train Fighters, Reuters, 16 February 1998.

تاجیکستان نیز از این موضوع شکایت داشت که اتباع پاکستانی نظام فکری طالبان را در تاجیکستان ترویج می‌دهند.

"Tajiks to Expel Pakistanis for Praising Taliban, " Reuters, 24 August 1998.

دخالت پاکستان در جنبش اسلامی آسیای مرکزی به دوران قبل بازمی‌گردد.

Barnett R. Rubin, "The Fragmentation of Tajikistan, " *Survival* 35, No. 4 (Winter 1993-94).

۱۶. به عنوان نمونه در کنفرانس بیشکک قرقیزستان با عنوان "برای وحدت مسلمانان" موضوع اصلی گفتگو خطری بود که اشاعه وهابیت در مناطق جنوبی کشور نظیر اوش و جلال‌آباد برای وحدت مسلمانان قرقیز و برای امنیت کشورها به وجود آورده بود. رجوع شود به:

T.Turdubayev, "For Islamic Unity, but without Wahhabis," *Central Asian Post*, No. 9 (September 3, 1998).

17. Quoted in Kirill Nourzhanov, "Turkmenistan: Halfway Through to the Golden Age", *Central Asia Monitor*, No.1.(1995).

18."Zhaldashbekov on Future Relations with Iran" FBIS/Sov-25-120, 22 June 1995.

۱۹. در مورد عزم ایران در پرهیز از شیطنت رجوع شود به:

Seyed Kazem Sajjadpour, "Iran: The Caucasus and Central Asia, " in Ali Banuazizi & M. Weiner, eds., *The New Geopolitics of Central Asia* (London: I.B. Tauris, 1994), 198.

۲۰. عمده مخالفین روابط نزدیک ایران و روسیه الیگارشیهای مهم هستند. بخش قدرتمند نفت و گاز روسیه در مورد بهبود روابط با ایران تردید دارند چرا که ایران را به خصوص در بازارهای صادرات گاز به عنوان یک رقیب بالقوه می‌بینند. در مورد جوانب دیگر روابط ایران و روسیه رجوع شود به:

Robert O. Freedman, *Russian-Iranian Relations in the 1990s*, *Middle East Review of International Affairs* 4, No.2 (June 2000).

۲۱. روسیه و ایران در آغاز مواضع یکسانی در مورد شیوه بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر داشتند، به این صورت که این کار براساس رهیافت معروف به حاکمیت مشاع در استفاده از دریای خزر و منابع آن، به طور مشترک توسط همه کشورها انجام شود. با این وجود در مه و ژوئن ۲۰۰۲ روسیه موافقتنامه‌های

دوجانبه‌ای با قزاقستان و آذربایجان امضا کرد که بستر دریای خزر را تقسیم می‌کرد. برخی تحلیلگران روسی از این دیدگاه به خاطر از بین بردن اعتماد ایران انتقاد کرده‌اند. آقای. گوشر خاطر نشان می‌کند که: اعتماد ایران اغلب به واسطه بی‌مسئولیتی نمایندگان ما که به توافقات پایبند نمی‌مانند. از بین می‌رود. رجوع شود به:

A.I. Gousher "Knovonu etapu Rossiiko-Irankikh Otnoshenii" (Towards a New Stage of Russian-Iranian Relations), *Evrariisky Vestik (Eurasian Herald)*, No. 9 (January 2001), at <http://www.e-journal.ru/p/5fzarub/5fstig.html>.

۲۲. در مورد سرکوب اقلیتهای تاجیک در ازبکستان، از جمله تعطیلی مدارس تاجیک زبان رجوع شود به: "Uzbeks Exact Tajik Citizens", *BBC Worldwide Monitoring*, 1 May 2001; Bakhtiyar Irgashev, "There are no Eternal Friends only Eternal Interests", *Novoye Pokoleni (Almaty)*, 27 April 2001.

به عنوان مثال تنها در یک مدرسه در سمرقند، بیش از ۲۰۰۰ جلد از کتابهای فنی و علوم طبیعی که ۹۰ درصد آن به زبان تاجیک بود معدوم شدند. به گفته جمال میرسعیداف، نماینده سازمان مستقل حقوق بشر ازبکستان (IHROU) در سمرقند: "در روستای من که فقط تاجیک‌ها زندگی می‌کنند، در کتابخانه نزدیک ما حتی یک جلد کتاب به زبان تاجیک وجود ندارد."

۲۳. ازبکستان تنها کشور منطقه است که از اعمال تحریمهای اقتصادی علیه ایران در زمان قانون تحریمهای ایران در سال ۱۹۹۵ حمایت کرد. رجوع شود به: "An Iran Embargo", *OMRI*, No 88, (5 May 1995).

"Denies Backing of United States Embargo", *FBIS/NES-95-91* (24 July 1995).

با این وجود تنها چند روز پس از اظهارات کریم اف، وزیر خارجه ازبکستان منکر حمایت ازبکستان از تحریمهای امریکا علیه ایران شد.

24. "Rafsanjani Opens 'Historic' Rail Link, *"Middle East Economic Digest"* 39, No. 13 (31 March 1995): 16-17.

25. "Iran Central Asia Rail Link Opened", *Turkish Daily News*, at <http://www.msdev.com/rai/archive.html>.

۲۶. کریدور شمال - جنوب برای ارتباط بمبئی با سن پترزبورگ از طریق تهران و مسکو می‌باشد و از اینرو

اقیانوس هند با دریای بالتیک مرتبط می‌شود. بنادر ایران در خلیج فارس و دریای خزر حلقه‌های ارتباطی بسیار مهمی در این کریدور هستند. رجوع شود به:

Sudha Ramachandran, "India, Iran, Russia Map Out Trade Route, " *Asia Times*, 29 June 2002, at <http://www.atimes.com/ind-pak/DF29Df02.html>.

۲۷. در مورد سابقه و مندرجات ILSA رجوع شود به:

27. Kenneth Katzman, "The Iran-Libya Sanctions Act," *Confessional Research Service Report for Congress*, 20 July 2001, at <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/rs20871.pdf>.

28. Charles Recknagel, "Iran: Khatami Tours Central Asia to Press for Iran Energy Routes, Lower U.S. Presence, " *Radio Free Europe/Radio Liberty Weekday Magazine*, 25 April 2002; at <http://www.rferl.org/nca/features/2002/04/25042002095614.asp>.

29. "Torgovo-promyshlenniy oboro mezhdru Kazakhstanom I Iranom V 2002 godu sostavil \$500 mln"

سطح مبادلات تجاری بین ایران و قزاقستان به ۵۰۰ میلیون دلار رسید.

*Gazeta.kz* (Kazakhstan Today), 6 February 2002.

30. "Minister inostrannih del Uzbekistana posetit Tegerans vizitom v sleduvuschem mesyatse"

وزیر امور خارجه ازبکستان ماه آینده به ایران سفر خواهد کرد.

*Iran.ru*, 23 December 2002, at

<http://iran.ru/rus/news/5firan.php?act=news/5fby/5fid/26amp; n 1327>.

۳۱. بنابه گزارش رادیو مشهد، رئیس جمهور تاجیکستان در نطقی در پارلمان گفت: "سطح همکاری بین دو کشور (ایران و تاجیکستان)، که از زبان، فرهنگ و تاریخ مشترکی برخوردارند در حد صفر بوده است."

"Trade with Iran to Improve after Tajik head's Speech in parliament" *Iran, Radio*, 2 May 2002, at <http://www.eurasianet.org/resource/tajikistan/hypermail/20000>

۳۲. بطور خودجوش راه‌پیمایی با شمعهای روشن برای قربانیان مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در تهران

انجام شد.

۳۳. حتی ریچارد حاس، رئیس دفتر ستاد برنامه‌ریزی سیاسی در وزارت خارجه آمریکا به کمیته روابط خارجی سنا در ۶ دسامبر ۲۰۰۱ گفت که ایران نقش سازنده‌ای در کنفرانس بن ایفا کرده است. وی افزود: "آنها نفوذ بسیاری بر اتحاد شمال دارند. و تا آنجا که ما می‌دانیم، از این نفوذ در استقبال از توافقات افغانستان و رئیس دولت موقت به نحو سازنده‌ای استفاده کرده‌اند."

۳۴. برای مطالعه متن سخنرانی آقای جرج دبلیو بوش، گزارش سالانه رئیس جمهور، ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲، رجوع شود به:

<http://www.cnn.com/2002/ALLPOLITICS/01/29/bush.speech.txt>.

۳۵. در مورد کارشکنی‌های ایران در قبال دولت افغانستان رجوع شود به اظهارات دونالد رامسفلد، وزیر خارجه آمریکا مبنی بر این که ایران طالبان و اعضای القاعده اجازه عبور از مرزهای خود راداده است در:

"US Renews Attack on 'Evil Axis' " BBC News/Americas, 4 February 2002, at

<http://news.bbc.co.uk/1/hi/world/americas/1799104.stm>.

36. "Khatami Says Iran Ready to Help Uzbekistan Develop, " FBIS/NES-2002-429, 29 April 2002.

37. "Uzbek Iranian presidents Discuss Afghanistan, *Interfax*, 29 April 2002, at

<http://www.eurasianet.org/resource/uzbekistan/hypermail/20020>

38. Ibid & Vilor Niyazmotov, "Uzbekistan: Iranian President Khatami Satisfied with Visit to Uzbekistan, " FBIS/SOV-2002-0426, 26 April 2002

39. "Khatami, Nazarbayev Say Best Way to Transfer Kazakh Oil Via Turkmenistan Iran," FBIS/NES-2002-0425, 26 April 2002.